

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

شباهنگ راد
24 نومبر 2024

اعدام فطرت نظام جمهوری اسلامی

جستار اعدام در ایران گزاره تازه‌ای نیست. ریشه‌دار است و نظام‌ها و دولت‌ها بشدت به آن وابسته هستند. رویارویی دو فکر و تضمین حاکمیت و منفعت دو طبقه است. کنش و واکنش سیاسی سوهای گوناگون جامعه و همچنین تقابل حقوق پایه‌ی مردم با حافظان سیستم و مناسبات طبقه حاکمه است. این رویه در ایران دارای پیشینه و از زمان حکومت جمهوری اسلامی به‌عنوان ابزار بازدارنده مخالفت‌ها و اعتراضات در دستور کار قرار گرفت. به این دلیل شمار اعدام‌ها در ایران بالا است که حکومت‌مداران و دولت‌مداران بدون آن، آسان برای ماندگاری نیستند. موضوعی که جامعه بیش از چهار دهه به‌طور تأثرانگیز با آن مواجه و در بُعدی غیرقابل‌تصور هزینه داده است. اعدام‌های دسته‌جمعی، آشکار و پنهان از ویژگی سران حکومت ایران است و دروغا تا مرگ آن‌ها حیات خواهد داشت. از آغاز گفتند قلم‌ها را بشکنید، سرها را بالای دار ببرید و صدای کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان نظام را در گلو خفه کنید تا درس عبرتی برای دیگران باشد.

بدان جهت و با وجود چنین نظر و تبیینی، روبه رو شدن با اتفاقات و رویدادهای مرگبار بیش از چهار دهه، تعجب آور نیست. دلیل آن معین و غیر از گسترش هراس مردم و عقب راندن آنان از مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌شان نیست. از همین روی، سران حکومت تا توانسته‌اند دستگیر و شکنجه کرده‌اند؛ تا توانسته‌اند طناب بر گردن جوانان، کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان انداخته‌اند؛ تا توانسته‌اند مرگ‌های دسته‌جمعی، آشکار و پنهان را سازمان داده‌اند و بالاخره تا توانسته‌اند اعتراضات کارگری و توده‌ی، زنان و دختران و دانشجویان را به خاک و خون کشانده‌اند تا نظم و ترتیب نظام با دشواری روبه رو نشود. هم سرکوب وحشیانه به یکی از رویه‌های کلیدی رژیم تبدیل و هم اعتراضات و مخالفت‌ها به عادت مردم تبدیل گشته است. به‌خودی‌خود، عمل و عکس‌العمل دو سوی متضاد از هم است و بی‌شک، ماندگاری رژیم و نیز نافرجامی خواسته‌های بنیادی میلیون‌ها انسان رنجیده، زنان و دختران و محرومان ریشه در موارد دیگر دارد که واکاوی آن نیاز به زمان و موقعیت جداگانه است. اما آنچه پیداست، هم موقعیت حاکمیت [تا حدودی] تغییر کرده و هم اعتراضات از برخی موانع چند دهه قبل [به‌طور مثال حجاب اجباری] عبور کرده است. علی‌رغم چنین وضعیتی، رقم اعدام‌ها در ایران همچنان تکان‌دهنده و همچون کابوس دهشتناک بر فضا و جامعه اعتراضی سنگینی می‌کند. همین چند روز قبل، «سازمان حقوق بشر

ایران» اعلام کرده است «در ماه اکتوبر 166 نفر در ایران اعدام شدند و ده‌ها نفر دیگر به دلایل متفاوت در صف اعدام هستند».

به‌طور قطع در حول و حوش آمار و ارقام اعدام‌ها و نیز یورش وحشیانه نظام بارها و بارها و از طرق متفاوت گفته و نوشته شده است، ولی آنچه حال مدنظر است، این است که هدف از بگیر و ببندها و اعدام‌ها در چیست؟ چرا سران حکومت، آشکار و پنهان، در فکر تعرض و اعدام مخالفان هستند؟

در پاسخ کوتاه و به‌دوراز بازگشت تاریخی، لازم است تا فهم دقیق آن را با نظام جمهوری اسلامی آغاز کنیم. تغییر شکل حکومتی در سال 1357 توسط امپریالیست‌ها و جابه‌جائی آن با رژیم فعلی به‌عنوان رژیم بازدارنده جنبش‌های اعتراضی، جامعه ایران شاهد وقوع رویدادهای دردناک همچون اعدام بوده است. مخالفت‌های بی‌وقفه مردم نسبت به بی‌عدالتی‌های موجود زیر نام نظام پیشین [پهلوی]، باعث شده است تا میلیون‌ها کارگر، زحمتکش، زنان و دختران و جوانان به خیابان‌ها سرازیر شوند و خواهان حقوق از دست‌رفته‌شان گردند. از آنجاکه نظام فعلی وارث نظام گذشته است، در مقابل جنبش‌ها و خواسته‌های عادلانه توده‌های رنج‌دیده همان سیاست و روشی را پیش گرفت که نظام پیشین پیشه خود ساخت. سرکوب و بازداشت زنان و دختران در روزهای اولیه قیام، لت‌و‌پار کردن کارگران بیکار و به‌ویژه سرکوب وحشیانه توده‌های ستمدیده کردستان در اولین بهار «آزادی» از جمله نشانه‌های توجه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به مطالبات لگدمال شده مردم بوده است. جنایت یکی پس از دیگری به سیرت حاکمان تازه به قدرت رسیده تبدیل شده و پس از این تصویب طرح‌های سدکننده اعتراضات و به دام انداختن روشنفکران، کمونیست‌ها و مبارزان باعث شده است تا فضای جامعه به مسیر تازه‌ای ورود کند که دهه 60 یکی از تاریک‌ترین دوران زندگی میلیون‌ها انسان دردمند است؛ دورانی که رژیم در بیدادگاه‌ها هزاران زندانی سیاسی را در محکمه‌های چندثانیه‌ای به مرگ محکوم کرد؛ دورانی که بیش از نیمی از حقایق آن پنهان مانده و فقط بخش بسیار کوچکی از آن رو شده است.

در حقیقت صفحات سیاسی سردمداران رژیم فعلی [مانند رژیم گذشته] با ترور، غارت ثروت‌های جامعه، دستگیری، شکنجه و تعرض بی‌رحمانه به کارگران، زحمت‌کشان، زنان، دختران و جوانان در میدان‌های تولیدی، ساختمانی، آموزشی و خیابان‌ها و اعدام نوشته شده است. گزیر در منطق نظام نیست و آمده است تا سیاست سرکوب [نظام پیشین] را دنبال کند. آمده است تا جامعه را به سکوت وادارد و سیاست‌های ضد انسانی و چپاولگرانه‌اش را به پیش ببرد. هم‌راستا با آن، بروز اعتصابات و اعتراضات از آغاز حکومت جمهوری اسلامی نشانگر این قضیه است که سیاست تسلیم و فرمان‌برداری از حاکمان سرکوبگر از سوی میلیون‌ها انسان رنج‌دیده سر سازگاری ندارد و بی‌علت نبوده و نیست که جامعه همواره با خیزش‌ها و مخالفت‌های مردمی روبرو شده است. نظام جمهوری اسلامی بیمناک از اعتراضات و پیشامدها و در حقیقت تحولات سیاسی توده‌ای بالنده مانند سال‌های 96، 98 و 1401 است. پیشامدها و تحولات سیاسی که به‌مرور زمان از جناح‌های گوناگون نظام رد شد و فصل جدیدی از خواسته‌ها و اعتراضات را گشود. فصل‌هایی که شوربختانه دربردارنده دستگیری، شکنجه‌های وحشیانه و اعدام بوده است. اگرچه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از تعرض و سرکوب پا پس نکشیده‌اند، ولی گستردگی نارضایتی‌ها و پخش شدن آن به بیش از ده‌ها شهر و شهرستان، حکایت از آن داشت که نظام مانند سابق قادر به حکومت‌مداری نیست و مردم نیز به گونه پیشین حاضر به فرمان‌برداری از حکومت‌مداران و دولت‌مداران ایران نیستند. در نتیجه، اوضاع نظام روزبه‌روز دربوداغان‌تر شده و در مقابل اعتراضات کارگری، توده‌ای، زنان و دختران و جوانان، گام‌به‌گام مسیر بالاتر و رادیکال‌تری را طی کرد تا جایی که ریخت‌های سیاسی طبقه حاکمه و همچنین درون‌مایه

اعتراضات تغییر کرده و شعارها و نشانه‌ها به سمت نابودی حاکمیت رفت. پیدا بود که وقوع رویدادهای فوق، با خلق و خو سران حکومت مطابق نداشت و می‌بایست هر آنچه را که در توان دارد وارد کارزار کند تا به قول خود هم درون را یکدست‌تر و هم بیرون را از طرح مطالباتشان به عقب براند. خشونت‌های غیرقابل‌توصیف ارگان‌های سرکوب و نیروهای هم‌راستا همچون لباس شخصی‌ها و موتورسواران در شهرها، خیابان‌ها و به‌تبع آن یورش به خانه‌ها به‌منظور دستگیری معترضین، از جمله پی‌آمدهای نظام در برابر رخداد‌های توده‌ای بود. رخداد‌هایی که نه خاموش بلکه عمیقاً ملهم از خواسته‌های سرکوب‌شده و دیرینه میلیون‌ها انسان رنج‌دیده است.

فشرده اینکه اعدام‌ها توسط سران حکومت در این امتداد قابل توضیح است و مسلم است تا زمانی که چنین عناصر و نظام‌هایی در مسند قدرت هستند، طناب دار پابرجا، اعدام‌های آشکار و پنهان برقرار، دستگیری و شکنجه و مثله کردن بدن مخالفین و معترضین به قوت خود باقی است. از این‌رو حکومت‌مداران و دولت‌مداران ایران [بنا به ماهیتشان] بی‌بهره از پایه‌های اخلاقی و انسانی هستند و بدون سرکوب در مانده‌اند. سرانجام خلاصی از آن وابسته به سرنوشتی حکومت مستبدین و برقراری حکومتی مبتنی بر تقسیم ثروت‌های جامعه به سازندگان اصلی آن، رفع بی‌عدالتی‌ها و آموزش سالم به عموم است.

23 نومبر 2024

3 آذر-قوس- 1403